

شیعیان جمهوری آذربایجان  
قبل و بعد از فروپاشی شوروی

# روزگاران سخت

جواد عرب عامری



مذهب تشیع در سرزمین آذربایجان هم‌زمان با رسمیت یافتن این مذهب در ایران دوره صفوی

— به دلیل اینکه این سرزمین یکی از بخش‌های (بیگلربیگی ۱) دولت صفوی بود — گسترش یافت و به‌صورت مذهب اکثریت مردم درآمد. در حال حاضر نیز ۷۵ تا ۸۰ درصد جمعیت مسلمانان جمهوری آذربایجان پیرو مذهب تشیع هستند. شیعیان در بین اقوام ساکن در جمهوری آذربایجان بیشترین جمعیت را در بین قوم آذری و پس از آن در بین تالش‌ها و به‌صورت محدودی در بین سایر اقوام مسلمان این جمهوری از جمله لزگی‌ها، تاتارها، کردها و آوارها، که به صورت اقلیت هستند، دارند.<sup>۱</sup> این سرزمین محل رشد عالمان بزرگ شیعه از قبیل لنگرانی و نخجوانی و بسیاری دیگر از شخصیت‌های مذهبی است که در حوزه‌های اردبیل، نجف و قم پرورش یافته‌اند.

پس از جدا شدن جمهوری آذربایجان و قفقاز از ایران طی جنگ‌های ایران و روسیه در دوره قاجار و سلطه روسیه تزاری بر این منطقه و سپس روی کار آمدن بلشویک‌ها و سلطه شوروی بر جمهوری آذربایجان، وقفه‌ای نسبتاً طولانی در رابطه مسلمانان و به‌ویژه شیعیان این جمهوری با سایر ممالک اسلامی و مراکز دینی به‌وجود آمد. با سلطه روسیه بر این منطقه از ممالک اسلامی، تضادهایی بین جامعه مسلمانان آذربایجان (قفقاز) و دولت اشغالگر روس پدید آمد؛ از این‌رو

این کشور برای حفظ سلطه خود بر سرزمین‌های اشغالی در صدد برآمد با ایجاد تفرقه بین مسلمانان این سرزمین و تضعیف ساختارهای سنتی و از جمله ساختارهای دینی آن و نظارت بر این ساختارها، از یک‌سو از شکل‌گیری نهادهای دینی مستقل و وابسته به نهادها و تشکیلات مردمی جلوگیری کند و از سوی دیگر با گسترش دین مسیحیت (ارتدوکس) به لحاظ فرهنگی ساختار مذهبی مردم آذربایجان را به نفع خود تغییر دهد. به همین مناسبت دولت روسیه به تأسیس اداره دینی مسلمانان اقدام نمود و در سال ۱۸۲۳م در قفقاز برای رهبری مذهبی شیعیان در تفلیس، وظیفه شیخ‌الاسلام و در ذیل آن دفتر رهبری شیعه را تأسیس

کرد. این نهاد که تا سال ۱۹۱۷م پابرجا بود، براساس اصول حکومت تزاری و در سمت و سوی آن حرکت می‌کرد. و در واقع بازوی دیگر اداره دولت به‌شمار می‌آمد که با مأموران تزاری برابر شمرده می‌شد. این نهاد ایدئولوژی اسلام را در زمینه سعادت امپراتوری و در راه رسیدن به مقاصد آن دنبال می‌کرد.

با وجود این سیاست‌ها و فشارهایی که حاکمیت تزارها برای توسعه نفوذ مسیحیت و فرهنگ روسی بر مسلمانان جمهوری آذربایجان و به‌ویژه شیعیان این کشور وارد می‌کردند، اعتقادات شیعیان جمهوری آذربایجان همچنان پابرجا ماند و فرهنگ مسیحی روسی نتوانست بر تشیع حاکم گردد. بعضی از تحلیلگران حتی بر این باورند که تزارها که درگیر جنگ‌های سختی با امپراتوری سنی‌مذهب عثمانی بودند در مواردی از شیعیان قفقاز حمایت می‌کردند و با قراردادن شیعیان در برابر اهل سنت می‌کوشیدند از شکل‌گیری اندیشه‌های حمایت از امپراتوری عثمانی، که با آذری‌ها از نظر دین و زبان اشتراکات بسیاری داشتند، پیشگیری کنند.<sup>۲</sup>

پس از جدایی سرزمین‌های قفقاز از ایران و الحاق آن به روسیه، به‌رغم تمام محدودیت‌هایی که برای مسلمانان این مناطق شکل گرفته بود، ارتباط شیعیان آذربایجان با ایران و سایر مکان‌های مذهبی جهان اسلام قطع نشد. آنها هر ساله در مراسم حج شرکت می‌کردند و عمدتاً از طریق ایران به سایر مکان‌های مذهبی رفت و آمد می‌نمودند و از این طریق به برقراری این ارتباط کمک بسیاری می‌کردند. این ارتباطات تا روی کار آمدن نظام کمونیستی شوروی ادامه یافت، اما با سقوط نظام تزاریسم در روسیه و روی کار آمدن بلشویک‌ها، پرده آهنینی به دور مرزهای این کشور، به‌ویژه در مناطق مسلمان‌نشین قفقاز، کشیده شد و در پی آن ارتباط شیعیان آذربایجان با ایران و سایر ممالک اسلامی قطع گردید.

از ویژگی‌های دوره حاکمیت کمونیسم این بود که پدیده دین رکنی رو بنیایی تلقی می‌شد که تغییرات اقتصادی و فرهنگی، زیربنای آن به‌شمار می‌آمدند. در این تلقی، دین پدیده‌ای مابین با توسعه و نوسازی به‌شمار می‌آمد که می‌بایست از جامعه حذف می‌شد. این رویکرد مادی‌گرایانه

تصویرسازی: آتلیه زمانه

نسبت به دین، به‌ویژه مذهب تشیع، تضادهایی را درون جامعه آذربایجان شکل می‌داد که بیشتر به شکل مبارزات دینی بروز می‌کردند، ولی رژیم کمونیستی که ماهیتی استبدادی داشت این مبارزات را بر نمی‌تابید و به سرکوب آنها دست می‌زد؛ برای نمونه فقط در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ م در جمهوری آذربایجان بیش از سیصد هزار نفر از دین‌داران این کشور که اکثر آنها شیعه بودند قتل عام شدند. در این سال‌ها علمای دینی و به‌ویژه شیعیان به شدت تحت فشار بودند و مجتهدان بنامی همچون آیت‌الله سید غنی بادکوبه‌ای و آیت‌الله شیخ قدرت‌الله ابراهیمی به طرز فجیعی اعدام شدند. طی این دوران قرآن کریم به‌منزله یک کتاب زیان‌آور ممنوع گردید و مساجد زیادی تخریب یا تغییر کاربری داده شدند. فقط در سال ۱۹۲۹ م حدود چهارصد مسجد در آذربایجان بسته شد و حدود ۱۲۰ مسجد تخریب گردید.<sup>۲</sup> در چنین فضایی در کنار سرکوب جنبش‌های دینی، تبلیغات گسترده نظام کمونیستی و اشاعه فرهنگ روسی همراه ایجاد تضادهای قومی و مذهبی به‌ویژه در منطقه قفقاز، که آثار آن هنوز هم گریبان‌گیر دولت‌های تازه‌تأسیس این منطقه است، صدمات جبران‌ناپذیری بر جامعه شیعیان جمهوری آذربایجان وارد کرد. حتی امروزه می‌توان تأثیر این سیاست‌ها را در تلقی مردم این جامعه نسبت به دین مشاهده کرد؛ که با نگرش مردم سایر کشورهای اسلامی که دین و سنت‌های مذهبی همواره در آنها مطرح بوده است تفاوت بسیاری دارد.

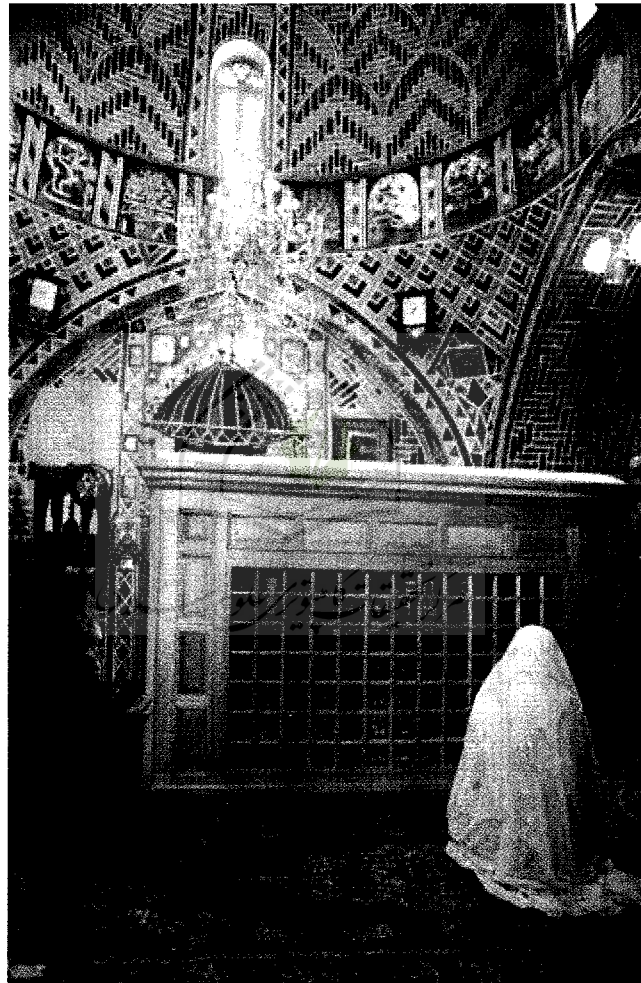
بیش از هفتاد سال حاکمیت کمونیسم و دین‌ستیزی در جمهوری آذربایجان، برداشت مردم از سهم مذهب در حیات سیاسی جامعه را دگرگون کرده و باعث شده است آنها دین را بیشتر یک شیوه زندگی یا بخشی از هویت ملی بدانند؛ در نتیجه همین نگاه است که پس از فروپاشی نظام کمونیستی و استقلال جمهوری آذربایجان، دین به منزله ابزاری برای پر کردن خلأ ناشی از فروپاشی شوروی و تحکیم هویت ملی مطرح شد. پس از استقلال آذربایجان، در شهر و روستا مساجد زیادی ساخته شد و مردم برای نخستین‌بار اعیاد دینی و ملی خود را آزادانه جشن گرفتند که این مسئله تأثیر مثبتی بر همبستگی اجتماعی این جامعه گذاشت. سرکوب دین در دوره شوروی اگرچه تأثیرات منفی بسیاری داشت سبب تحکیم همبستگی بین مذاهب و ادیان شده و امکانی را برای ادغام و نزدیکی مذاهب شیعه و سنی فراهم آورده است. با توجه به چنین امکانی است که امروزه عبادت شیعیان

**سال حاکمیت کمونیسم و دین‌ستیزی در جمهوری آذربایجان، برداشت مردم از سهم مذهب در حیات سیاسی جامعه را دگرگون کرده و باعث شده است آنها دین را بیشتر یک شیوه زندگی یا بخشی از هویت ملی بدانند**

۷۰

جشن‌های شیعه نیز اهل تسنن به شکل گسترده‌ای شرکت می‌کنند؛ به همین سبب جمهوری آذربایجان به لحاظ همبستگی مذهبی تاکنون کشور موفق‌تری بوده است. این نکات مثبت دلیلی نمی‌شود که از حکومت سکولار آذربایجان در دوران پسا شوروی غفلت

و سنی‌ها در مساجد یکدیگر امری طبیعی جلوه می‌کند و شیعه و سنی اعیاد خود را اغلب به صورت مشترک با یکدیگر برگزار می‌کنند؛ برای مثال روز تولد پیامبر اکرم (ص) از طرف شیعیان و اهل تسنن به صورت مشترک جشن گرفته می‌شود و حتی در عمده‌ترین



کنیم و محدودیت‌هایی را که این حکومت بر پیروان مذاهب تحمیل می‌کند نادیده بگیریم.

دولت سکولار آذربایجان به وسیله دو نهاد «اداره امور دینی» و «اداره دینی مسلمانان شیعه و سنی» به رفع نیازمندی‌ها و الزامات دینی شهروندان اقدام می‌کند. نهاد اداره امور دین، که وابسته به هیئت دولت است، تا حدود زیادی موضع رسمی دولت در موضوع دین را منعکس می‌کند و با نظارت بر فعالیت‌های دینی اشخاص و نهادها، به شکل‌دهی سیاست‌های دولت در قبال دین کمک می‌نماید. در رأس دومین نهاد، یعنی اداره دینی مسلمانان شیعه و سنی، که حوزه رسالت آن حتی به ماورای مرز نیز می‌رسد، شیخ‌الاسلام قرار دارد و به موجب سنت رایج، خود شیخ‌الاسلام شیعه، و معاون مفتی وی سنی است.<sup>۳</sup>

دولت آذربایجان، که پس از استقلال، مانند سلف خود (حکومت شوروی) از شکل‌گیری نهادهای اسلامی مستقل در جامعه نگران بود، به ایجاد نهادهای یاد شده دست‌زد و مانند سنت رایج در دوره تزاریسم کوشید به وسیله این نهادها جریان‌های مذهبی را در جامعه حوزه عمل آنها را کنترل و محدود نماید. رفتار دولت آذربایجان در قبال فعالیت‌های گروه‌های مذهبی و به‌ویژه شیعیان، تحت تأثیر تبلیغات ضد ایرانی کشورهای غربی قرار گرفته است که به منظور جلوگیری از ایجاد مدل اسلام سیاسی شیعی، که جمهوری اسلامی ایران پرچمدار آن در جهان است، به این تبلیغات دروغین دست می‌زنند. به همین سبب برخلاف سال‌های ابتدایی استقلال جمهوری آذربایجان، که نفوذ مذهب شیعه در این کشور بسیار زیاد بود، با جهت‌گیری‌های غرب مدارانه دولت آذربایجان و همچنین سکولار بودن این دولت گرایش خاصی از مذهب تشیع در آذربایجان تقویت شده است که کاملاً متضاد است از آن چیزی است که در کشوری مانند ایران وجود دارد. ||

**پی‌نوشت‌ها**

۱. در دوره صفوی برای اداره امور، قلمرو ایران به بیگلربیگی‌هایی تقسیم شده بود. بیگلربیگی‌ها بزرگ‌ترین تقسیمات سیاسی در دوره صفوی بودند. در قرن هفدهم میلادی، ایران به سیزده بیگلربیگی تقسیم می‌شد که از جمله آنها می‌توان به بیگلربیگی شمشلی، بیگلربیگی قره باغ و بیگلربیگی تبریز اشاره کرد (رک: بهرام امیراحمدیان، بررسی کشور شناسی جمهوری آذربایجان، تهران: انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح).
۲. ایاس واحدی، هویت قومی در جمهوری آذربایجان، تهران: دفتر مطالعات بین‌المللی ابرار معاصر تهران، ۱۳۸۶.
۳. همان‌جا.
۴. همان‌جا.
۵. عبدالوهاب تاشستان، «دین در جمهوری آذربایجان»، دو ماهنامه ایراس، ش ۱۵.

**مسجد در سال ۱۹۲۹ م در آذربایجان بسته شد و حدود ۱۲۰ مسجد تخریب گردید**

۴۰۰

**نفر از دین‌داران این کشور که اکثر آنها شیعه بودند، در فاصله سال‌های ۱۹۲۹ تا ۱۹۳۹ م در جمهوری آذربایجان قتل‌عام شدند**

۳۰۰,۰۰۰